

چند تصویر از دستگیری به خاطر پیشگیری! (طنز)

تاریخ: ۰۷ تیر ۱۳۹۳ - ۱۳:۵۹

کد خبر: ۳۴۳۹۸۳

محسن حدادی، تصویب کلیات طرحی در مجلس - که در یکی از مواد آن برای استفاده از عمل‌های واکتومی و توبکتومی به منظور پیشگیری از بارداری، مجازات 2 تا 5 سال حبس پیش‌بینی شده است - را دستمایه مطلب طنز خود در خبرآنلاین قرار داده است.

تصویر اول

(ماشین کلانتری جلوی خانه‌ای در یک بن‌بست توقف کرده و فردی را با دستبند داخل ماشین می‌اندازند و می‌برند. همزمان دو خانم از سر کوچه صحنه را دید می‌زنند)

صغری خانم جون: کبری خانوم جون دیدی؟

کبری خانوم جون: بلا به دور ... می‌گن شیشه مصرف می‌کرده!

صغری خانوم جون: نه خواهر! خبر نداری، جرمش سنگینه!

کبری خانوم جون: یعنی قتل کرده؟ خاک به سرم ... این ایران خانوم می‌گفت طرف مشکوکه ها ...

صغری خانوم جون: نه خواهر، قتل چیه؟ برو بالا ... پلیس دو ماهه دنبالشه!

کبری خانوم جون: وای فشارم افتاد ... بگو دل از حلقم بالا آوردی!

صغری خانوم جون: دو ماه پیش واکتومی کرده!

کبری خانوم جون: وای! خدا مرگم بده!

تصویر دوم

(یک زن و شوهر جوان، نزدیک غروب در یک کافی‌شاپ رویایی نشسته‌اند. دقایق زیادی است که به هم زل زده‌اند و موسیقی تاپتانیک نیز در پس زمینه شنیده می‌شود ...)

پسر: ملیحه، من فکرامو کردم و تصمیمم رو گرفتم ...

دختر: هیییییی ... (آرام گریه می‌کند و شانه‌هایش می‌لرزد)

پسر: گریه کنی پا میشم می‌رم.

دختر: حامد ... هیییییی (باز هم گریه امانش نمی‌دهد) باشه، فقط به خاطر تو.

پسر: من تصمیم خودم رو گرفتم. ما بچه نمی‌خوایم. من میرم انجامش میدم.

دختر: هیییییی ...

پسر: (محکم روی میز می‌کوبد) گرفتم گریه نکن! محکم باش!

دختر: (دماغش را بالا می‌کشد) باشه!

پسر: عمل رو انجام میدم و حبسش رو می‌کشم. فقط به خاطر عشقمون ... (پسر بغض می‌کند و نگاهش را به افق می‌دوزد)

دختر: مطمئن باش منتظرت می‌مونم. همه 5 سال رو. هر هفته هم میام ملاقات ... مطمئن باش تنهات نمیذارم!

(صدای موسیقی به گوش می‌رسد و دختر و پسر که با چشمانی خیس به یکدیگر خیره شده‌اند و عشق بالای سرشان جولان می‌دهد)

تصویر سوم

قاضی دادگاه: آقای اصغری، آیا به جرم خود اعتراف داری؟

وکیل مدافع: بله جناب قاضی!

قاضی: آیا با علم به غیرقانونی بودن، این عمل رو انجام داده؟

وکیل مدافع: نه جناب قاضی! موکل من اصلاً روحش خبر نداشته که این عمل جرم محسوب می‌شه. در ضمن در روز عمل هم حالت عادی نداشته. اینم مدارکش که موجوده.

دادستان: اعتراض دارم جناب قاضی!

قاضی: بفرمایید.

دادستان: این ترفند قدیمی شده! مگه تصادف کرده که در حالت عادی نبوده؟ خودش رفته توی اتاق عمل، اینم مدارکش.

قاضی: اعتراض وارده!

وکیل مدافع: آقای قاضی! غیر از این، موکل من تحت فشار صاحبخونه هم بوده، اسنادش هم موجوده! این فایل صوتی تهدید صاحبخونه‌س ... (یک صدای کلفت و خشن: دفعه بعد پیام برای کرایه خونه بفهمم بوی بچه میاد، اثاثتون توی خیابونه، خرفهم شد؟؟!!)

قاضی: با احتساب مدارک موجود و با اشاره به رای هیئت منصفه، مجرم با تخفیف روبه‌رو شده و به دو سال حبس محکوم می‌شود.

تصویر چهارم

(چراغ قرمز پلیس روی دیوار خانه مانور می‌دهد. صدای هلی‌کوپتر ناجا به گوش می‌رسد. صدای بلندگو هم همه را از خواب بیدار کرده. پدر توی حیاط، روی زانو نشسته و دارد با پسر 6 ساله‌اش حرف می‌زند ...)

پدر: ببین میلاد! من و مادرت به خاطر آسایش تو این کارو کردیم. اینو بفهم.

صدای بلندگو: خونه محاصره شده! مقاومت بی‌فایده‌س! بهتره خودت تسلیم بشی!

پدر: میلاد! عزیزم ... هیچوقت مادرتو تنها نذار. هیچوقت اونو ملامت نکن! اون به خاطر تو این کارو کرد.

صدای بلندگو: این آخرین اخطاره! خودت با زبون خوش بیا بیرون! ما نمی‌خوایم خون از دماغ کسی ریخته بشه ...

پدر: پسرم دوستت دارم ... وقتی من نیستم تو مرد این خونه‌ای! خیلی مراقب مادرت باش.

(مادر گوشه حیاط ایستاده و زار زار گریه می‌کند. پدر از پسر جدا می‌شود و به سراغ همسرش می‌رود.)

مرد: گریه نکن! من برم زندان بهتره تا اینکه تو رو ببرن! اصلاً ناراحت نباش! زود برمیگردم. چشم به هم بزنی

برگشتم. محکم باش!

زن: ولی این حق تو نیست ... من این کارو کردم!

مرد: حرفشو زن ... دوستت دارم، خداحافظ ...

(پلیس در را می‌شکند و هفت سرباز هم همزمان از دیوار و پشت بام وارد حیاط می‌شوند و مرد را قهقونی دستگیر کرده و می‌اندازند داخل ماشین!)

فرمانده عملیات خطاب به زن: بهتره با ما همکاری کنید. اگر شما هم در این عملیات با او همکاری کردین، بگین! این به نفع شماست ...

زن گریه می‌کند و دست پسرش را می‌گیرد و به داخل خانه می‌رود ...

(چراغ گردون قرمز کم‌کم از خانه فاصله می‌گیرد ...)

تصویر پنجم

- الو 110؟ می‌خواستم گزارش بدم. اول آدرس رو بنویسید ... بعله مطمئنم. خودم شنیدم. مقصر مرده‌س! اینقدر به زن بدبخت فشار آورد تا اینکه پریروز رفته و ... بعله جناب سروان مطمئنم. مدارک عملش هم توی کشوی دوم میز توالتشونه. فقط تو رو خدا نفهمن که من لو دادمشون!